

**زنان راوی عصر پیامبر(ص)**

**محقق: فاطمه پورشفیع**

**کارشناس ارشد علوم قران و حدیث**

**چکیده:**

آموختن علم ودانش بر هر مسلمان زن و مرد واجب است. این سخن گرانقدر از میان دو لب پیامبر (ص) شنیده شد واینچنین بود که مسلمانان آنزمان به تبعیت از ایشان ، نهایت سعی و کوشش خود را در آموزش علم وحکمت بکار گرفتند و اندوخته دانش خود را به دیگران انتقال می دادند.

وجود مقدس پیشوای بزرگ اسلام حضرت رسول(ص) عامل گرایش مسلمانان به علم حدیث بود و می فرمودند: "هرکس حدیثی را به دیگران منتقل کند تا بدین وسیله حکم واجبی احیاء واستوار گردد یا با آگاه کردن دیگران روزنه بدعت و انحراف را مسدود نماید او در بهشت جایگزین خواهد شد1."گرچه بعد از فوت پیامبر (ص) خلفا از نشر احادیث بمدّت یک قرن جلوگیری کردند ولی صحابه و یاران با وفای پیامبر(ص) اندوخته و دانائی های خود را به دیگران انتقال می دادند و دراین میان زنان نیز بهره ای در علوم داشتند و احادیث پیامبر (ص) را ضبط و نقل می کردند. زنان راوی حدیث در زمان پیامبر حدوداَ 68 نفر بودند که شرح حال تعدادی از آنان را با رجوع به منابع مختلف نقل میکنم و امید دارم که مورد قبول استاد محترم قرار گیرد.

کلید واژگان:هدف. انتخاب مسیر. مقام یا مقاومت. حفظ ولایت –دشمنی با ولایت:

**مقدمه**:

"من حفظ من امتّی اربعین حدیثاَ ممّا یحتاجون الیه فی امر دینهم بعثه الله عزّوجل یوم القیامة فقیهاَ عالماَ"هر کس از امت من چهل حدیث در زمینه نیازهای دینی شان حفظ کند خداوند عزّوجل او را روز قیامت فقیه عالم بر خواهد انگیخت.

مهمترین پیام این حدیث اهمیت نشر حدیث است واگر هر مسلمانی تا روز قیامت با عنایت به این روایت خود را مسئول حفظ و نشر حداقل چهل حدیث بداند مجموعاَ چه حجم فراوانی از احادیث در گسترۀ زمانی در میان مسلمانان منتشر خواهد شد.پیامبر اسلام(ص) به کتابت حدیث و جواز آن کاملاَ آگاهی داشتند ولی دشمنان حق و حقیقت و کوردلان خود را در نظام اسلامی وارد کردند و با گفتن " حسبنا کتاب الله" خیانت به جوامع بشری را سرلوحه موفقیت خود قرار دادند و احادیث جعلی را نشر دادند و ظواهر قرآن را بنا بر سلیقه خود آراستند و مردم را قرنها فریب دادند.با این وصف در شناخت راویان حدیث باید دقت کرد.

ابتدا با رجوع به رجال شیخ طوسی و رجال برقی – الفهرست نام راویان حدیث را پیدا کرده و شرح حال کامل آنها را از کتب اعیان الشیعه – فرهنگنامه اسلامی –الصحیح من سیرة الاعظم ج3و5 – وکتب دیگر و نرم افزار درایت الحدیث وغیره پیدا کردم.

برای من شرح زنان راوی حدیث بسی جالب بود در قرون اولیه هجری با برپایی اسلام ومبعث رسول گرامی اسلام (ص) تقریبأ در حدود صد زن راوی را یافتم که از یک حدیث شروع کرده و آن را به نگارش در آورده بودند تا ...... که گاهی شمارش آن برای من مشگل بود.پس نتیجه می گیریم که در زمان جاهلیت زنان باسواد و عالمه کم نبودند اندیشه گر و محقق بودند و موضوعات منقول خود را در باره احادیث صادره از پیامبر(ص)و ائمه اطهار (ع) می نوشتند که اگر بخواهم موضوعات نقل شده آنان را به قلم در آورم از هدف اصلی خود که شرح حال ده تن از بانوان راوی است دور خواهم شد فقط این را می توانم اضافه کنم که جا تعجب ندارد زیرا که بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه(س) معلم و استاد تمام بانوان در قرون متوالی هستند .مثلاَ {حضرت زهرا (س) مرجع زنان جامعه محسوب می شدند و حتی ایشان زمانیکه رقیه دختر پیامبر(ص) به نقلی بر اثر ضربات همسرش از دنیا رفت حضرت زهرا (س) با گروهی از زنان بر پیکر او نماز خواندند که بعد ها این مسئله جواز امامت زن بر زن شد و یا اینکه پیامبر از میان زنان به ام ورقه امر کرد ه که برای اهل خانه اش نماز بر پا کند و مؤذنی هم برای وی قرار داد. ام ورقه نیز چنانکه گذشت زنی دارای کملات علمی و عملی بوده است. 1}

1- الحدایق الناضره ج11- ص188

**زنان راوی حدیث عصر پیغمبر(صلی ا...علیه وآله)**

**1- جویریه بنت حارث**:

نام اصلیش "برَّه" بود که پس از ازدواج با حضرت رسول نامش به جویریه تغییر یافت،1.

و آن به معنای حلقه در بینی و در باره زن کنایه از زن زیبا ست که در علم نحومصغر جاریه است . و چون به قبیله بنی مصطلقه از منطقه خزاعه تعلق داشت نسبت های او نیز همچون دیگر همسران پیامبر(ص) ملقب به ام المؤمنین مصطلقیه و خزاعیه شده است.2

در سال شش هجری گروهی از مشرکان بنی المصطلق کینه جویی و جنگ افروزی بسیار کرده و با مسلمانان از در جنگ وارد شدند ولی پیامبر(ص)در این جنگ ( غزوه مُریسیع) پیروز گشت و اسیرانی بدست مسلمانان افتاد که از آن جمله "جویریه" بود.این زن چون بدست قیس افتاد از او درخواست کرد که در ازای پرداخت بهای خود آزادش کند. قیس مبلغی را که پیشنهاد کرد بسیار بود ناچار جویره به خدمت رسول گرامی اسلام(ص) رسید و از او در خواست کرد بخشی از پولی که به او پیشنهاد شده بپردازد تا او که دختر فرمانده قبیله اش است با کمک مالی رسول اکرم(ص) آزاد شود و به پدر و مادرش که نگران هستند بپیوندد.

حضرت رسول(ص) بهایی بالاتر را پیشنهاد کرد و گفت: آزادت می کنم و نیازی به پرداخت هیچ مبلغی نیست امّا آیا تو حاضری اسلام را بپذیری تا به همسری من در آورده شوی که جویریه قبول کرد و بدین ترتیب تمام اسیران این قبیله نه تنها آزاد شدند بلکه همه اسلام را پذیرفتند.2

اسارت و ازدواج جویریه با پیامبر(ص) در سال 5 ه.ق اندکی پیش از غزوه خندق به وقوع پیوست در آن زمان او حدود بیست سال داشت. جویریه زنی بزرگ و فرزند رئیس طایفه و همسر مردی از بزرگان قبیله اش بود3.

3

1- دانشنامه جهان اسلام -

2- ابن سعد الطبقات الکبری (بیروت)

3- تاریخ دمشق ، تراجم النساء ج،5-10 ص284-- جایگاه بانوان در صدر اسلام ، ایت ا...نوری همدانی حسینی، ص 204

عایشه می گوید: جویریه بانویی شیرین و با نمک بود و هر کس او را می دید شیفته اش می شد . هنگامی که پیامبر(ص) پیش من بود ناگاه جویریه به حضور ایشان آمد تا برای پرداخت تعهد خویش از آن حضرت یاری جوید . بخدا سوگند همین که او را دیدم ، آمدنش را به حضور پیامبر (ص) ناخوش داشتم که می دانستم ، رسول خدا(ص) هم همان زیبایی را که من در جویره می دیدم خواهد دید.

جویریه گفت: ای رسول خدا من جویریه دختر حارثم که سالار قوم خود بود و به سرم من آن آمده است که خود می دانی . من در سهم ثابت بن قیس قرار گرفتم و او با من پیمان آزادی در برابر پرداخت نُه اوقیه نوشته است. برای آزادی ام مرا یاری ده. .

رسول خدا(ص) فرمود : آیا می توانم کاری بهتر از این انجام دهم؟ جویریه پرسید: چه کاری؟ رسول خدا فرمود: تعهدت را می پردازم و تو را به همسری می گیرم. جویریه گفت: آری چه نیکوست. جویریه علاوه بر زیبایی ظاهر از کمالات روحی و از قدرت بیان و شیوایی کلام نیز بهرمند بود بطوری که عایشه از هم سخن شدن با او به شگفت آمده و از وی به نیکی یاد می کرد.

وی نیز هنگام رحلت رسول خدا(ص)زنده بود و از آن حضرت ، فرزندی نداشت. سرانجام در سال 56 و به قولی 57 در عصر حکومت معاویة ابن ابی سفیان ، در مدینه منوره وفات یافت. مروان ابن حکم بر پیکر وی نماز خواند و در قبرستان بقیع در کنار سایر همسران رسول خدا (ص) دفن گردید1.

بصائر الرجات به نقل از ابو جارود : از جویره شنیدم که می گفت: علی علیه السلام ما را از کربلا تا فرات برد. ایشان به من فرمود : این جا چه نام دارد ، ای جویره؟ گفتم: ای امیرالمؤمنین این جا بابل است. وقتی به بابل رسیدیم فرمود" آگاه باش ! بر هیچ پیامبر و وصی پیامبری جایز نیست که در سرزمینی که دو بار عذاب شده نماز بگزارد و سومی را انتظار می کشد.اگر ستاره دنباله دار طلوع کند و پل بابل درست شود ، یک صد هزار نفر را روی آن می کشند و اسب ها تا سم در خون

می روند ". پیش خود گفتم بخدا سوگند ، امروز در نمازم از امیرالمؤمنین پیروی خواهم کرد . آنگاه ایشان سر دُلدُل(استر پیامبر خدا (ص)) را برگرداند و از سور2 گذشت.

4

-------------------------------------------------------------------------------------------

1- نقش همسران رسول خدا در حکومت امیرالمؤمنین(ع)سید تقی واردی ----- سیره صحیح پیامبر اعظم (ص) علامه سید جعفر مرتضی عاملی ترجمه دکتر محمد سپهری

2- سورا بر وزن طوبی ، منطقه ای در عراق در سرزمین بایل در نزدیکی حلّه و از شهر های سریانی ها ست (تاج العروس – جلد 6 – ص555

2**- ام سلمه زوجه حضرت رسول (ص):**

ام سلمه دختر "ابی امیةبن مغیره " و مادرش "عاتکه" دختر عبدالمطلب عمه رسول خدا(ص)بود. نام اصلی اش هند و مکّنی به ام سلمه شد.وی از بانوان متدین و جلیل الشان و از روایت کنندگان صدر اسلام است.پیش از ازدواج با حضرت در عقد " عبدالله بن الاسود" معروف به "ابوسلمه" بود.

ام سلمه از نخستین گروه مهاجران بود .اوهمراه با ابوسلمه با کاروان جعفر طیار (ع) به حبشه مهاجرت کرد و درانجا خداوند به آنان فرزندی داد . عمر بن ابی سلمه از فرزندان نیک ام سلمه بود که مادرش در جنگ جمل او را به یاری حضرت علی (ع) فرا خواند وطی نامه ای که همراه او برای امیرالمؤمنین (ع) فرستاد ، نوشت: اگر جهاد بر زنان واجب بود من در جهاد شرکت می کردم امّا جهاد را خداوند بر ما واجب نکرده است. از این رو پسر را که چون جانم عزیز می دارم فرستادم تا در خدمت شما باشد و با دشمنان خداوند جهاد کند.1

ام سلمه در فقاهت و حصافت رأی و خرد ورزی از زنان نامدار عصر خویش بود و از پیامبر روایات زیادی نقل نمود و پاسخ گوی استفتائات شرعی بزرگان عصر خویش بود.

ابو جارود از امام محمد باقر(ع) نقل می کند که آیه تطهیر"انّما یرید الله لیذهب عنکم الرّجس اهل البیت و یطهّرکم تطهیرا" که در خانه ام سلمه نازل شد در باره رسول خدا (ص) و علی(ع) و فاطمه(س) و حسن(ع) و حسین(ع)است که پس از آن حضرت رسول(ص) اهل بیت (ع) را به حضور طلبید و بعد از آن عبای خیبری را بر روی آنان کشید. او به اتفاق شیعه و سنی ، از راویان اصلی این واقعه است2

اوپس از شهادت شوهرش در غزوه احد در سال چهارم هجری و به قول دیگر در سال دوم هجری پس از جنگ بدر یا پیش از بدر به زوجیت رسول خدا (ص) در آمد 3 . ام سلمه پس از خدیجه با فضیلت ترین زنان رسول خدا بود.

5

1- ازدواج پیامبر – نرم افزار درایت الحدیث - و نقش همسران رسول خدا(ص) در حکومت امیرالمؤمنین، سید تقی واردی چاپ دفتر تبلیغات اسلامی

2-همان

3- سیره صحیح پیامبر ج2

**ام سلمه در باره مقام علی (ع) :**

سعید ابن جبیر از عبدالله ابن عباس نقل می کند:

من روزی به ام سلمه همسر رسول خدا(ص) گفتم ، تو در بارۀ امام علی (ع) گفته های زیبا و زیادی بیان کردی که سایر همسران رسول خدا در این حدّ سخن نگفته اند ، آیا در باره علی(ع) از پیامبر چیزی شنیده ای که غیر از تو کسی نشنیده باشد. ام سلمه گفت : ای ابن عباس ،آگاه باش آن مقداری که من از رسول خدا در باره علی(ع) شنیده ام خیلی بیشتر از آن مقداری است که بتوانم برایت بیان کنم. امّ مقداری از سخنان پیامبر که تو را کفایت کند و دلت را شفا دهد، برایت بازگو می کنم: پیامبر در بستر بیماری بود و در آن حال علی(ع) وارد اتاق شد و جهت توقیر و تعظیم رسول خدا(ص) آهسته سلام کرد و پیامبر جواب سلامش را بلند و آشکارتر داد به مانند یک دوستی که دوستش را می بیند و از دیدنش خوشحال می شود .آنگاه دست علی (ع) را گرفت و فرمود : آیا این علی(ع) است. علی(ع) پاسخ داد : آری یا رسول ا.. پیامبر فرمود : ای علی(ع) تو برادر من در دنیا و آخرتی. در این هنگام قطرات اشک از چشمان علی(ع) سرازیر بود به جهت احترام و تعظیم پیامبر نمی توانست دیدگانش را باز کند. من به پیامبر (ص) عرض کردم : ای رسول خدا ما را به چه کسی وامیگذارید وسفارش کار ما را به چه کسی می نمایی؟ پیامبر(ص) فرمود: من شمارا به خدای عزیز و آمرزنده می سپارم همان طوری که شما را به سوی او می خوانم و سفارش شما را به این شخص می نمایم (با دست خود به علی(ع) اشاره کرد). ای ام سلمه ! این علی است که وصی من برگذشتگان از اهل بیتم و جانشین من بر زندگان (امتم) در دنیا و قرین و رفیق من در بهشت برین است. ای ام سلمه ! گفتارم را بشنو و سفارشم را بخاطر بسپار و برآن شاهد و گواه باش و به دیگران ابلاغ کن، که این علی برادر من در دنیا و آخرت است ، گوشت او با گوشت من و خون او با خون من درهم آمیخته شده است. از من است دخترم فاطمه(س) و از علی و فاطمه دو فرزندم حسن و حسین (ع)می باشند.علی برادر من و پسر عموی من و رفیقم در بهشت است و او نزد من به منزله هارون در نزد موسی است جز این که بعد از من پیامبری نخواهد بود. ای ام سلمه! علی (ع) سرور تمام مسلمانان است چون که نخستین اسلام آورندگان از آنان است ، ولی و سرپرست بر تمام مسلمانان است چون که پیشی گیرنده ترینشان در ایمان است.علی کانون تمام دانشهاست ، زیرا هیچ گاه به پلیدی شرک ،آلوده نگردیده است.

6

ای ام سلمه! علی بعد ازمن با ناکثین (بیعت شکنان) قاسطین(طاغیان و متجاوزان) و مارقین(خوارج و منافقان ) مبارزه خواهد کرد. ای ام سلمه! جبرئیل در روز عرفه در سرزمین عرفات بمن گفت: ای محمد، خدا در این روز به تو مباهات می کند و بخاطر تو عامه مردم را می آمرزد و به علی مباهات می کند وبه خاطر او هم خاصه و هم عامه مردم را می آمرزد. ای ام سلمه! علی امام شماست پس به او اقتدا کنید همانگونه که مرا دوست دارید بعد از من نیز او را دوست بدارید و او را بخاطر کرامت من تکریمش کنید، من تا کنون چنین چیزی را بشما نگفته بودم ولی هم اینک مأمور شده ام به شما بگویم. آنگاه ام سلمه به ابن عباس گفت:" آیا این مقداری که گفتم تو را کفایت می کند . "گفتم: آری ، کفایتم می کند." 1 شیخ مفید در باره تلاشهای مجدانه ام سلمه در دفاع از خلافت امیرالمؤمنین علی(ع) و مقابله با عایشه و گروه بیعت شکنان و مخالفان آن حضرت ، متنی را می نویسد حاکی از دیدار ام سلمه و دعوت از تعدادی از مهاجرین و انصار به خانه خود و بیان حقایق از اینکه پیامبر از عایشه عهد وپیمان گرفته بود که در خانه اش مستقر شود و بیرون نیاید و تبّرج جاهلی در پیش نگیرد ولی عایشه به حرفهای ام سلمه و دیگران گوش نداد و جنگ جمل را ه انداخت و به ام سلمه گفت: امّا از اینکه نظرم را به عثمان می دانی مربوط به گذشته است هم اینک هیچ راهی را برای خود نمی بینم ،مگر اینکه خون وی را طلب کنم. امّا در باره علی(ع)همانا من وی را به گرداندن مقام خلافت به شورای مسلمین امر می کنم اگر پذیرفت غائله به پایان می رسد ولی اگر نپذیرفت شمشیر را بر صورتش فرود می آورم، تا خدا که بهترین داوران است بین ما داوری کند. ام سلمه پس از شهادت حضرت علی (ع) از خلافت فرزندش امام حسن (ع) حمایت کرد و از به خلافت رسیدن یکی از افراد اصحاب کسا و نوادگان پیامبر(ص) مسرور بود. این بانو اا زمانی که زنده بود دست از حمایت اهل بیت (ع) دست نکشید. ام سلمه در برابر رفتار بدعت آمیز معاویه و عاملان وی نسبت به امیرالمؤمنین و تبعیضات آنان بین خلفای گذشته رنجیده خاطر و ناراحت بود و نامه ای به این شرح نوشت:

7

1- مناقب امیرالمؤمنین ج1 ص354 ---نقش همسران رسول خدا(ص) در حکومت امیرالمؤمنین . سید تقی واردی

" ای معاویه شما تنها علی ابن ابیطالب (ع) را ناسزا نمی گویید بلکه با این کارتان خدا و پیامبر خدا (ص) را در منابرتان ناسزا می گویید زیرا شما نسبت به علی (ع) و کسی که او را دوست داشته بدگویی می کنید من شهادت می دهم که خداوند سبحان و پیامبرش او را دوست دارند."1

روزی پیامبر اکرم (ص) شیشه ای از خاک کربلا نزد ام سلمه به ودیعه گذاشت و فرمود : هر گاه خون در شیشه دیدی بدان حسین (ع) کشته شده است. این روایت از طرق مختلف ثابت شده است بدین ترتیب وقتی این شیشه پر خون شد ام سلمه دانست که حسین (ع) شهید شده است2

ذهبی می گوید : او مدتی بعد از واقعه کربلا از دنیا رفت. شهر ابن حوشب گفت : چون خبر شهادت حسین (ع) به ام سلمه رسید اهالی عراق را لعنت کرد و گفت : حسین را کشتند ، خدا آنان را بکشد

سپس حدیث کسا را بیان می کند . 3

ما معتقدیم که شراب قبل از هجرت تحریم شد.

روایت منقول از ام سلمه است که برحسب متن بیهقی گوید:

" اول ما نهانی عنه ربی بعد عبادة الاصنام و شرب الخمر و ملاحاةالرجال" .نخستین چیزی که پروردگارم مرا از آن نهی کرد و از من پیمان گرفت بعد از پرستش بتان و شراب خواری ، بد گویی از مردم بود.

ام سلمه در هنگام ازدواج با رسول خدا (ص) حدوداً 25 ساله بود زیرا مورخان و سیره نویسان آورده اند که در اوایل خلافت یزید ابن معاویه در سال 62 هجری در سن 84 سالگی فوت کرد بنا براین به هنگام هجرت به حبشه حدود 15 سال سن داشته است. ام سلمه آخرین زن پیامبر بود که از دنیا رفت . او در زمان یزید رحلت کرد ودر مدینه منّوره وفات کرد و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

8

1- مواقف الشیعه ج2 ص378—الغدیر ج2 ص102- همسران پیامبردر حکومت امیرالمؤمنین(ع) سید تقی واردی

2- امالی شیخ صدوقص203

3- مقتل الحسین ص355

3**- ام ایمن :**

بانویی در صدر اسلام که ازجمله زنان مجاهد بوده که دو شادوش مردان رزمنده در جنگ های مختلف مانند احد، حنین ،خیبر، حضور داشت و به آبرسانی رزمندگان و مداوای آنان می پرداخت. او شخصیتی بود که هر گاه پیامبر او را می دید می فرمود : " هذا بقیة اهل بیتی " و او را بانوی بهشتی معرفی می کرد.او پرورش یافته خانه وحی بود وپشتیبان قوی در ولایت امیرالمؤمنین (ع) ودیگر اهل بیت (ع) بود. او محرم اسرار عترت بود پیامبر او را بعد از آمنه مادرم خطاب میکرد . او پرستار حضرت رسول(ص)و خدمتگزار آمنه بود که به عنوان ارث به پیامبر منتقل شد. نامش "برکه" دختر ثعلبة بن عمر است. زمانیکه رسول خدا با خدیجه ازدواج کرد و دارای فرزندی شد او را ایمن نامیدند . زید ابن حارثه غلام خدیجه بود که او را به پیامبر خدا(ص) بخشید پیامبر هم او را آزاد کرد و زید بعد از نبّوت رسول اکرم(ص) با ام ایمن ازدواج کرد. آنها صاحب فرزندی شدند که او را اُسامه نامیدند. ام ایمن از مکه هجرت کرد مرکب و زاد و توشه نداشت و در آن ساعت روزه دار هم بود در راه تشنگی بر او غلبه کرد . در این میان از آسمان ظرف آبی به سوی او سرازیر شد. واو از آن آب نوشید وسیراب شد . بارها می گفت : از آن تاریخ به بعد هرگز گرفتار تشنگی شدید نشدم حتی در گرمترین هوا می توانستم به راحتی روزه دار شوم1.

ام ایمن از راویان حدیث بود که حتی در حساس ترین مواقع چون قضیه غدیر و فدک از پیامبر (ص)نقل روایت کرد و انچنان از حق مسلم عترت حمایت می کرد . در قضیه فدک بعد از انکه حضرت رسول(ص) فدک را به فاطمه(ص) بخشید به من و علی(ع) هم فرمود : شما گواه باشید . عمر گفت: تو زنی بیش نیستی و گواه زن قبول نمی شود و علی هم سود جویی می کند. ام ایمن با ناراحتی برخاست و گفت : خدایا این دو نفر بر دختر پیغمبرت ستم کردند تو هم بر آنها سخت گیر.

ام ایمن در حدود شصت سال از زندگی خود را در ارتباط با پیامبر (ص) و خاندان او سپری کرد و در هشتاد سال زندگی خود از رسول خدا درسها آموخته و مطالب فراوانی در قالب حدیث از رسول خدا روایت کرده است.

ام ایمن می گوید : رسول خدا (ص) نسبت به یکی از افراد خانواده خود چنین سفارش می کرد :

9

1- نرم افزار مدینة العلم. . دانشنامه جهان اسلام – کاری از گروه محققین

اگر تو را با آتش هم بسوزانند هرگز چیزی را برای خدا شریک قرار مده و در هر شرایطی از پدر و مادر خود اطاعت داشته باش ، هرگز بدون جهت نماز خود را ترک مکن . زیرا کسی که بی جهت نماز خود را از دست می دهد پیوند بندگی خود را با خدا قطع کرده است . هیچگاه میگساری مکن چون این آلودگی سر منشاء تمام تبهکاریها ست.هیچوقت گرد گناه و معصیت مرو زیرا مورد خشم و غضب خداوند قرار می گیری1.

" زینب کبری(س) می گوید : وقتی ابن ملجم پدرم را ضربت زد و من اثر مرگ را در وی مشاهده کردم ، بپدرم عرض کردم ای پدر ام ایمن حدیثی برای من نقل کرده و چنین و چنان می گوید، و من دوست دارم آن حدیث را از شما بشنوم.

فرمود: نور دیده حدیث همان است که ام ایمن برای تو گفته است. گویا می بینم که تو با جمعی از دختران نورس و زنان بیکس از اهل بیت عصمت در این شهر اسیر و دستگیر دشمنان باشید در حالیکه ذلیل و خوار و وحشت زده اید دشمنان شما همانند گرگان آدمخوار شما را احاطه کرده باشند ، بر شما باد صبر وشکیبایی ، بحق آن خدائیکه دانه را شکافت و خلایق را از کتم عدم بعرصۀ وجود آورد ، در آنوقت در تمام روی زمین دوستان خدا فقط شما و شیعیان و دوستان شما هستند و برای خداوند متعال ولی و دوستی بغیر شما و شیعیان شما نخواهد بود. "2

ام ایمن در نزد مردم مسلمان اعتبار ومقام بلند و محبوبیت خاصی داشته بطوری که در تاریخ می خوانیم : یکروز ابن ابی فرات فرزند ام ایمن "اسامه" را به هنگام مجادله با تعبیر : یابن برکه یاد می کند. این خبر به گوش ابو بکر بن محمد بن عمرو قاضی مدینه می رسد ، و اینگونه تعبیری را نسبت به ام ایمن که مورد احترام پیامبر و اهل بیت(ع) بوده تحقیر و کوچک شمردن و اهانت تلقی می کندو انگاه دستور می دهد به شخص توهین کننده هفتاد ضربه شلاق مجازات زده شود.امام باقر (ع)هم در باره ام ایمن می فرماید: انی اشهد انها من اهل الجنه، من گواهی می دهم ام ایمن اهل بهشت است.سرانجام این بانوی بهشتی پنج یا شش ماه پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) در حالی که یک زندگی سراسر هجرت و جهاد و روایت حدیث و خدمات فراوان نسبت به اسلام و خاندان پیامبر(ص) را پشت سر گذاشته و حدود هشتاد سال زیسته بود ، در مدینه از دنیا رفت.3

10

1- محجة البیضاء - ص52

2-آخرین گفتار- -کامل الزیارات :265

3-زنان دانشمند و راوی حدیث- احمد صادقی اردستانی

4**- سوده**

سوده دختر زمغه ، همسر سکران بن عمروبن عبد شمس (پسر عمو) بود ، که پس از ظهور اسلام هر دو در مکه به پیامبر ایمان آورده ودین مبین اسلام را اختیار کردند و در هجرت دوم مسلمانان باشوهر خود به حبشه مهاجرت کردند .و صاحب چندین فرزند شدند از حبشه که باز گشتند و قبل از هجرت به مدینه شوهر سوده از دنیا رفت و زن بیوه و پیر و بی کس(بنابر قولی50 سال سن) درهم شکسته ، دردمند و از هم گسسته مانده بود و چندین طفل بی سرپرست ، شگفت تر اینکه خوله چنین زنی را به پیامبر پیشنهاد می کرد پیامبر بی لحظه ای تأمل و تعلل پاسخ فرمود قبول می کنم.

رسول خدا(ص)پس از وفات خدیجه و قبل از ازدواج با عایشه و نیز قبل از هجرت به مدینه ، در مکه با وی ازدواج کرده است. سوده دومین همسر رسول خدا (ص) است . بسیاری از بستگان و نزدیکان سوده در آن زمان در شرک و کفر باقی بودند و نسبت به پیامبر روی خوشی نشان نمی دادند به همین جهت "عبد بن زمعه" برادر سوده هنگامی که از مراسم حج بازگشت و از ازدواج خواهر خود با پیامبر با خبر شد ، بسیار نگران و عصبانی گردید ، به سرش خاک پاشید و اظهار تأسف نمود. وی وقتی مسلمان شد آن خاطره ناپسند را برای مسلمانان تعریف کرد: من در آن روز مانند آدم دیوانه ای بودم که بر سرم خاک می پاشیدم به جهت اینکه پیامبر خدا (ص) با خواهرم سوده ازدواج کرده بود. 1 در میان همسران رسول خدا(ص) در مدینه منوره بین سوده و عایشه رابطه خوبی حاکم بود عایشه از وی به نیکی یاد می کرد.وقتی سن وسال سوده بالا رفته بود به پیامبر (ص) عرض کرد : "ای رسول خدا همانا من نوبت حضور شما در نزدم را به عایشه بخشیدم".2 وی در هنگام رحلت رسول خدا (ص) زنده بود و زمان خلافت ابوبکر و عمر را درک کرد امّا از اینکه خلافت عثمان بن عفان و امام علی(ع) را درک کرده یا نه اختلاف است.زیرا بنا برقولی ،وی در اواخر خلافت عمر بن خطاب و بنا به قول دیگر ، در زمان حکومت معاویة بن ابی سفیان ، در سال 54هجری قمری بدرود حیات گفته است.بنا بر قولی که صحیح تر به نظر می رسد وی خلافت و حکومت شش تن از خلفای صدر اسلام ؛یعنی ابوبکر، عمر ، عثمان، امام علی(ع) ، امام حسن مجتبی(ع) و معاویة بن ابی سفیان را درک کرد.3

11نخاطره ناپسند آاا

1- مسند احمد بن حنبل ج6 ، 211- از کتاب نقش همسران رسول خدا (ص) در حکومت امیرالمؤمنین (ع)

2-مسند ابن راهویه ج4، ص52- همان

3- همان – ص 50

سوده با دو جناحی شدن همسران رسول خدا(ص) در عهد امام علی(ع) ظاهراَ جناح عایشه را بر گزیده بود و از وی پشتیبانی می کرد.

سوده از بانوان صحابی نیز شمرده می شد . این بانو از رسول خدا (ص) 5 حدیث روایت کرده است.(شیخ طوسی) .

5**-اسماء بنت عمیس:**

اسماء دختر عمیس بن معدبن تیم بن حارث ، که مادرش( خوله) نام داشت . او از بانوانی است که در همان روزها ی آغازین بعثت پیامبر(ص) با آن حضرت بیعت کرد ومسلمان شد . او علاقه فراوانی به فراگیری دانش ودریافت مطالب دینی داشت بنا بر همین علاقه می نویسند او شصت حدیث از پیامبر اسلام روایت کرده است.اسماء از بانوانی است که در سال 5 بعثت به همراه شوهر خود جعفر ابن ابیطالب و حدود هشتاد تن از مردان و زنان مخلص و مجاهد برای حفظ دین خود از مکه بدستور پیامبرخدا(ص)به حبشه هجرت کرده و پس از 13 سال اقامت در آن کشور به سال 8 هجری به مدینه مهاجرت نمود. اسماء نه خواهر داشت که معروفترین آنها میمونه (همسر رسول خدا "ص") "ام الفضل =لبابه" همسرحمزه سیدالشهدا بوده است . اسماء از همسرش سه پسر به نام عبدالله و محمد وعون داشت پس از آن به مدینه برگشت. در جنگ موته که جعفر بن ابیطالب به دستور رسول خدا فرماندهی سپاه مسلمین را به عهده داشت که پس از قطع شدن دستهایش بشهادت رسید؛ این خبر به رسول خدا(ص) رسید . حضرت به دیدار اسماء و فرزندانش رفت و دست نوازش بر سر آنها کشیدند و به سینه چسبانند و آنها را بوییدند اسماء می گوید : عرض کردم: یا رسول الله طوری سربچه های من دست می کشید که گویا یتیم شده اند. رسول خدا(ص) از عقل و درایت او تعجب کردند و فرمودند: بله ، شوهرت شهید شد. اسماء به گریه افتاد . حضرت فرمودند: ای اسماء گریه مکن خداوند به من خبر داده است که به جعفر دو بال از یاقوت سرخ عطا فرمود و او اکنون در بهشت پرواز می کند وبه همراه ملائکه هر کجا که بخواهد می رود. سپس رسول خدا (ص) به فاطمه(س) دستور دادند برای اسماء به مدت سه روز غذا تهیه کرده و از او و فرزندانش پذیرائی نمایند واین عمل اطعام افراد مصیبت زده تا سه روز سنت شد.

12

اسماء با گذشت مدتی از شهادت همسرش به ازدواج ابوبکر در آمد و از او محمد بن ابی بکر بدنیا آمد که از مفاخر اسلام و والی مصر از طرف امیرالمؤمنین علی (ع) است.

اسماء یکی از زنان راوی حدیث بود لذا احادیثی از او به یادگار مانده است؛ از جمله حدیث معروف "رد شمس" که راویان زیادی آنرا نقل کرده اند.اسماء در زمانی که زوجه ابوبکر بود در خدمت امامت بود و خبر های سری را به امیرالمؤمنین (ع) می رساند و اوامر آن حضرت را اطاعت می کرد.

اسماء با خانواده امامت و ولایت رابطه نزدیکی داشت و به حضرت زهرا(س)در ازدواج و زایمان همراه ایشان بود(در مورد تولد امام حسن و امام حسین (ع)حضور اسماء بنت عمیس اختلاف است )1 و از ایشان مراقبت می کرد و در هنگام زایمان حضرت قابلگی امام حسن (ع) و امام حسین(ع) را به عهده داشته و در غسل حضرت زهرا (س)به حضرت علی(ع) بنابر درخواست حضرت زهرا(س) شرکت داشت.

در روزهای آخر عمر حضرت زهرا(س) ، اسماء حضرت را نگران و غمناک و ناراحت می بیند . علت ناراحتی آن بانوی بزرگ را جویا می شود،حضرت می فرماید: بخاطر نحوه حمل جنازه زنان ، به گونه ای که حجم بدن آنان از زیر پارچه روی جنازه نمایش داده نشود. اسماء صورت تابوتی را که در حبشه دیده بود ، برای آن بزرگوار ترسیم می کند ، آن صورت مورد پسند فاطمه (س) قرار می گیرد و لبخندی هم می زندو سپس می گوید: این تابوت برای حمل جنازه خوب است، چون حجم بدن زن و مرد تشخیص داده نمی شود. بعد هم حضرت به اسماء سفارش می کند که: آنگاه من از دنیا رفتم باید تو با علی(ع) بدن مرا غسل بدهی و هیچکس حق ندارد کنار جنازه من حاضر شود. شیخ صدوق می نویسد اسماء دختر عمیس روایت می کند: یکوقت پیامبر اسلام (ص)خوابیده بود و سر آن بزرگوار در دامن علی (ع) قرار داشت . آفتاب غروب کرد و نماز عصرعلی (ع) از دست رفت . وقتی پیامبر (ص) بیدار شدند و از این وضع مطلع گردیدند گفت: خدایا! علی در حال اطاعت تو و پیامبرت بوده اکنون خورشید را برای او باز گردان2. او می گوید : من با دو چشم خود دیدم با قدرت الهی باز خورشید طلوع کرد و آنگاه علی وضو گرفت و نماز خود خواند و خورشید همچنان غروب کرد.

13

1-سیره پیامبر اعظم(ص)- علامه سید جعفر مرتضی عاملی (عقیده دارند که این اسماء بنت عمیس نبوده چون او در آن هنگام در حبشه بوده است.)

2- زنان دانشمند و راوی حدیث - احمد صادقِ اردستانی-نشر اصفهان- و دانشنامه اسلامی

اسماء می گوید : فاطمه (س) به من وصیت فرمود که هیچکس در غسل آن حضرت شرکت نکند مگر امیرالمؤمنین و من ، پس آن بدن مطّهر را من و علی (ع) غسل دادیم . بعد از وفات ابوبکر ، اسماء بنت عمیس با امیرالمؤمنین ازدواج کرد و از آن حضرت "یحیی " و بعضی گفته اند همچنین "عون" را بدنیا آورد.و رسول خدا(ص) این جریان را در شب عروسی فاطمه(س) به اسماء فرموده بود که ای اسماء در آینده تو با امیرالمؤمنین ازدواج خواهی کرد و از او پسری خداوند به تو عنایت خواهد فرمود. اسماء از رسول خدا (ص) سوال کرد:اگر کسی از ما چیزی را میل داشته باشد ولی بگوید : میل ندارم، این دروغ حساب می شود؟ آن حضرت فرمود : دروغ هر چند کوچک باشد ، دروغ است و در پرونده عمل انسان نوشته می شود!

اسماء به قول پیامبر دو هجرت انجام داده در برابر دیگران که یک هجرت انجام دادند.بهر حال سراسر زندگی اسماء دختر عمیس هجرت و فداکاری و نقل حدیث و خدمات فرهنگی و تربیتی بوده ، و آن طور که امام صادق(ع) هم فرموده : محمدبن ابی بکر فرزند اسماءهم نجابت و شخصیت را از مادر خود به ارث برده و امام باقر(ع) هم فرموده است: خداوند رحمت کند خواهرانی را که اهل بهشت می باشد و آنها عبارتند از اسماء بنت عمیس، همسر جعفر ابن ابی طالب، و سلمی دخترعمیس همسر حمزه سید الشهداء.1

در باب هجرت به حبشه ، روی عنها – ابنها عبدالله ابن جعفر و ابن ابنها القاسم بن محمدبن ابی بکر و ابن اختها عبدالله ابن عباس ، و ابن اختها الاخری عبدالله ابن شداد ابن الهاء و بنت ابنها ام عون بنت محمد بن جعفر و سعید بن اعسیب و فاطمه بنت علی(ع) و ابو یزید المدنی و آخرون ، قال: ابن اسحاق:هاجرت الی الحبشه2

رسول خدا درب خانه فاطمه(س)را کوبید و فرمود : کجا هستند حسن(ع) و حسین(ع)من! اسماء: فاطمه فرمود: اَصبحنا و لیس یذوقه ذا ئقتی و انّا لنحمدالله تعالی. صبح کردیم در حالی که چیزی در خانه ما نیست تا رفع گرسنگی نماییم و ما در هر حال خدای بزرگ را سپاسگزاریم.3

14

1- دانشنامه اسلامی - نرم افزار درایت الحدیث- همان( زنان دانشمند و راوی حدیث)

2- تهذیب التهذیب – شهاب الدین احمدابن علی الشهیر ابن حجر- جله 6 – ص530

3- بحارالانوار ج35 ص- 252برگرفته از فرهنگ فاطمه(س)

6**- ام اسلم**

ام اسلم به لقب " حصاده" یعنی سنگریزه شهرت یافته ،همانطور که در حدیث زیرمی خوانیم وی در داستان ملاقات خود با رسول ا.. (ص) با یک مشت سنگریزه سرو کار پیدا کرده است.

قبل از بیان حدیث ، به سندی از دانشمندان و محدثین بزرگ چون شیخ کلینی در کتاب کافی و ابن میثم بحرانی در کتاب مدین المعاجز ام اسلم را اهل مطالعه و تحقیق در کتب آسمانی و راوی حدیث از پیغمبر (ص) دانسته اند.او برای رسیدن به یک حقیقت سماجت و پیگیری جدی داشته است.

داستان این چنین است:

وی برای ملاقات با رسول خدا (ص) به خانه ام سلمه یکی از همسران آن حضرت وارد شد . اما ام سلمه گفت : پیامبر برای انجام کاری بیرون رفته است.ناچار ام اسلم نزد ام سلمه ماند تا اینکه حضرت به خانه آمد و ام سلمه سؤال خود را اینطور مطرح کرد:

ای رسوال خدا ! پدر ومادرم به فدایت ، من کتابهای آسمانی را مطالعه کرده ام و بدست آورده ام که هر پیامبری وصی و جانشین دارد و جانشین خود را در زمان حیات خویش به مردم معرفی می کند مثلاَ ، حال وصی تو کیست؟ پیغمبر فرمود : وصی من در زمان حیات و بعد از وفات من یک نفر است سپس آن حضرت یک مشت سنگریزه را از زمین بر داشت و آن را در کف دست خود نرم کرد تا جائیکه سنگریزه ها بصورت خاک نرمی در آمد و بعد نگین انگشتر خود را که مهر کردن را انجام می داد روی خاک گذاشت و فرمود ، وصی من از هم اکنون و بعد از وفاتم کسی است که قدرت چنین کاری را دارد.

ام اسلم می گوید: وقتی چنین قدرتی را در باره وصی رسول خد(ص) کشف کردم ، به نوبت به خانه علی(ع) و فرزند ان ایشان رفتم و این قدرت فوق العاده و نشانه وصایت رسول خدا (ص)را در آن سه بزرگوار دریافت داشتم و به دست آوردم که وصی پیامبر(ص) علی (ع) و بعد فرزند بزرگ اوحسن(ع) و سپس فرزند دیگر او حسین بن علی(ع) می باشند . وی با توجه به اینکه اهل تحقیق و مطالعه بود با مشاهده این عمل پیامبر(ص)در باره اوصیای آن حضرت به حقیقت دست یافت و دنبال کار خود رفت و پس از شهادت حسین بن علی(ع) هم در کربلا ، به خدمت علی بن الحسین یعنی زین العابدین 0ع) رسید و این قدرت معنوی فوق العاده را نیز از آ ن حضرت مشاهده نمود، و به اطاعت او گردن نهاد. 1 (احادیث بارش خون در شهادت امام حسین (ع) ونقل معجزه یکی از امامان از اوست).

15

1- مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان---درایت الحدیث-

**7- ام حُمید انصاری**

ام حمید انصاری همسر حمید ساعدی از راویان حدیث بوده است که ابن حجر عسقلانی و ابن عبد البر ، او را از زنان راوی دانسته و مرحوم شیخ ذبیح الله محلاتی هم اعتراف می کند.او زنی عابد واهل عبادت در میان زنان صدراسلام بود.این بانو به حضور رسول خدا(ص) رسید و به ایشان عرض کرد: ما بسیار مایلیم به مسجد بیاییم و در نماز جماعت شما شرکت کنیم، ولی شوهرهای ما از این کار جلوگیری می کنند!

پیغمبر (ص) فرمودند: اگر شما در اطاق خود نماز بخوانید بهتر از این است که در حیاط خانه خود نماز بخوانید، از شرکت در مسجد و نماز جماعت برای شما بهتر و با فضیلتر خواهد بود. همین حدیث در روایتهای دیگر به نقل از راویان مختلف بیان شده است . ام حمید بعد از نظر حضرت سایبانی در عقب خانه درست کرد و آنجا را محل عبادت خود قرار داد و تا زنده بود از ان محل برای عبادت استفاده می کرد.1

حضور زنان در نمازهای جماعت در آنزمان و عصر فعلی موضوع بحث برانگیز بوده و خواهد بود و در این باب شبهات زیادی را علماء پاسخگو بوده اند . ولی اینگونه احادیث نمی خواهد مانع از حضور زنان وشرکت آنان در نماز جماعت شود. آنچه مهم و قابل درک است و با کمی تدبر به نتایج مثبتی می رسد بیان حفظ ارزشها و فضیلتای والای زنان است .دراسلام برای پیشگیری از رذائل اخلاقی و باورهای غلط دیگر که لطمه به شخصیت زنان می زند و آنان را از کیان گرم خانواده دور می سازد تذکراتی داده شده از جمله "مسجد زن خانه اوست" .ولی اگر حضور زنان نبود انقلاب پیروز نمی شد زیرا زنان به معنای واقعی در میدان مبارزه بودند هم در تربیت انقلابی فرزندان و هم در آموزش مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی ، در واقع مادران شهید پرور رکن پیروزی حق علیه باطل بودند.(نظر محقق)سخن را با فتوای امام خمینی(ره) به پایان می برم: شرکت بانوان در نمازهای جماعت یومیه و نماز جمعه ، کراهت ندارد بلکه در بعض موارد مطلوب است.

16

1- زنان دانشمند و راوی حدیث – احمد صادق اردستانی – ص28- ریاحین الشریعه ج 3 ص381- الاصابه ج4 ص445 – الاستیعاب ج3 ص51

8**-ام حرّام بنت ملحان**

شیخ طوسی ، ابن عبد البر ، ابن حجر عسقلانی و ابن اثیر ، ام حرام را از راویان حدیث و صحابی رسول خدا(ص) دانسته و به شان بالا و عظمت بلند وی اعتراف کرده است.نام ام حرام رمیصا بود. بستگان او نیز اهل علم و فضل و ارادت به اسلام و پیامبر (ص) داشته اند.همسر او عبادة بن صامت بود صحابی رسول خدا (ص) ،که در مورد او نوشته اند : وی نسبت به پیامبر (ص) یکرنگ و در خط ایمانی خود استوار و پابرجا بود.از روزی که اسلام آورد یار و یاور حضرت رسول(ص) ،ودرتمام جنگها همراه رسول خدا بود و بعد از وفات رسول خدا(ص) در زمان خلافت امیرالمؤمنین علی(ع) یکرنگی خود را حفظ کرد . ا و به آوارگان در صفه مسجد مدینه قرآن آموزش می داد . در زمان عمر بن خطاب به مسافرت حمص و فلسطین رفت در آنجا نیز معلم احکام بود و بالاخره شوهر ام حرام در سال 34 ه.ق در رمله بیت المقدس در سن هفتاد و دو سالگی فوت کرد و در همان مکان مدفون شد.

ام حرام دختر ملحان بن خالد بن زید ، خواهر ام سلیم و خاله انس بن مالک بود. او در مدینه زندگی می کرد .از مقام بلند این زن باید گفت ،هر وقت حضرت رسول(ص) از شهر مدینه خارج می شد به مسجد قبا می رفت و از ام حرام دیدن می کرد و در خانه او می ماند ، استراحت می کرد و غذا می خورد . ام حرام نقل می کند : یک روز که حضرت رسول(ص) در خانه من به خواب رفت و بیدار شد، او را خوشحال و خندان دیدم ، علت آنرا جویا شدم ، فرمودند: در عالم خواب جمعیتی از اصحاب خود را مشاهده کردم که در دریای اخضر با عزت و عظمت سوار کشتی شده بودند . ام حرام که از خوشحالی و شادمانی رسول خدا (ص) فهمیده بود این خواب گویای عظمت و بزرگواری بیشتر حضرت رسول (ص) در آینده است، از حضرت تقاضا کرد که دعا کند او هم جزء آن گروه رستگار و سربلند شهید محسوب شود. حضرت فرمود : ای ام حرام تو نیز جزو همان گروه خواهی بود.

17

1- اعلام النساء المؤمنات ص134- الاصابه ج 4-ص144- الاستیعاب ج4 ص443برگرفته از کتاب زنان راوی حدیث

آری از این ماجرا سالیان سال گذشت و در سال 27 هجری در زمان خلافت عثمان جنگ قبرس پیش آمد ، و در این جنگ ابوذر ، ابو درداء ، و عبادة بن صامت شرکت داشتند و ام حرام به همراه همسرش در جنگ برای آب دادن سربازان و مداوای مجروحان شرکت کرده بود.وقتی از کشتی پیاده شدند ام حرام در جزیره قبرس در حالی که سوار مرکب بود و راه می پیمود مرکب او رم کرد ، و ام حرام روی زمین پرت شد و همانطور که رسول خدا (ص) شهادت را برای او از خداوند متعال در خواست کرده بود وی به مقام رفیع شهادت نائل آمد .1

9 - فاطمه بنت اسد مادر گرامی حضرت علی(ع)

این بانوی بزرگ قبل از اسلام پیرو مذهب حنیف ابراهیم خلیل (ع) بوده و هرگز خود را به شرک و بت پرستی نیالوده است. این بانوی بزرگ اسلام از حضرت رسول (ص) 46 حدیث روایت کرده است و دانشمندان رجالی او را بانوی راوی حدیث دانسته اند.این بانوی بزرگ دختر اسد بن عبد مناف هاشمی قریشی مادر علی ابن ابیطالب (ع) و عقیل و جعفر و مادر فاخته (ام هانی ) جمانه فرزندان دیگر او می باشد ومادر ایشان فاطمه بنت هرم رواحة بن حجر بن عبدمعیص بن عامر بن "لؤی" که لؤی جد هشتم پیامبر است. شوهر او عمران یا عبد مناف معروف به ابو طالب بود.

رسول خدا (ص) که بارها به منزل ایشان می رفتند و در خانه او استراحت می کردند به جهت مقام بلند ایشان و ارزشهای فوق العاده معنوی ایشان بود.فاطمه بنت اسد در همان آغاز هجرت ، از مکه به مدینه هجرت نمود ، حدود هفتاد سال زندگی کرد، و در سال چهارم هجرت در مدینه از دنیا رفت و در قبرستان بقیع مدفون گردید.

فاطمه بنت اسد در مورد حضانت پیامبر(ص) نقل می کند: ابو طالب توجه به ایشان را به من گوشزد کرد و من در جواب گفتم : "توصینی فی ولدی محمد و انّه احب الیّ من نفسی و اولادی"سفارش فرزندم محمد (ص) را به من می کنی در حالی که او را از جان خود و فرزندانم بیشتر دوست دارم.2

18

1- همان- لغت نامه دهخدا

2- زندگینامه فاطمه بنت اسد ص22

فاطمه بنت اسد می گوید : من علی علیه السلام را بارداربودم و روزی از مکانی گذر می کردم که در آن مکان بتها قرار داشت ، علی(ع) به شدت تکان خورد و مانع نزدیک شدن من به آنجا شد مکان مسجدالحرام بود من به سمت خانه می رفتم نه به سمت بتها، ولی او مانع شد. 1

" در خصایص فاطمیه" مذکور است: او زنی نیکو سیرت و دانا و بینا به امور آخرت و عاقله و هوشمند با کمال عفت و شرافت وشجاعت بود. وهمسر او فقط ابوطالب بود و همسر دیگری اختیار نکرد.

در برخی دعاها به ایشان لقب زن صالحه داده شده است. به عنوان نمونه " اللهم صلی علی محمد و اهل بیتی الطبین و علی اصحابه المنتجبین.... و علی کلّ امراة صالحه کفلت محمداَ و علی..... 2

روزی امیرالمؤمنین (ع) در حالی که گریان بود ند به نزد رسول خدا (ص) آمدند حضرت حال ایشان را جویا شدند و علی (ع) فرمودند: مادرم از دنیا رفت. پیامبر گریان شد و فرمود: خدا او را بیامرزد که تنها مادر تو نبود بلکه برای من نیز مادر مهربانی بود.

حضرت رسول(ص) در تشیع جنازه فاطمه شرکت کردند و بعد از نماز چهل تکبیر گفت و داخل قبر شد به روایت سمهودی (کتاب الوفاء فی اخبار دارالمصطفی) آن حضرت در قبر قدری قرآن تلاوت کرد پس بیرون آمد و بالای سر او نشست و فرمود: " ای فاطمه من محمد اشرف اولاد آدمم و فخری نیست چون منکر ونکیر آمدند و از تو سؤال کردند : بگو الله ربی، و الاسلام دینی ، القران کتابی، و النبی محمد و امامی وولی ابنی".

پیامبر در قبر برای فاطمه دعا کرد و به عمار یاسر عرض کرد "از خدا مسئلت می کردم که فاطمه را برهنه محشور ننماید هنگامی که مردم در آن روز برهنه محشور میشوند یا عمار قسم به حق آن کسی که جان من به دست اوست از قبر بیرون نیامدم مگر آن که دو چراغ از نزد پاهای او دیدم و دو ملک موکل را که در قبر تا روز قیامت برای او استغفار می نمایند.(همان)

19

1-الصحیح من سیره امام علی(ع)جعفر مرتضی عاملی

2- زندگینامه فاطمه بنت اسد

10- فاطمه سلام ال..علیها بنت محمدصلی ال.. علیه و آله

فاطمه (س) می فرماید: فرض الله الامر بالمعروف مصلحة للعامه : خداوند امر به معروف را برای اصلاح مردم قرار داد. براستی فاطمه کیست ؟ فاطمه برترین بانوی جهان است. فاطمه را می توان در آیات تطهیر مباهله – دهر- کوثر – ذی القربی یافت. او فاطمه است ، چون می تواند پیروان خود را ازآتش دوزخ جدا وبر کنار کند . فاطمه صاحب نه اسم است و هر اسم پیام آور پاکی و صداقت ، ایمان و اخلاق زکیّه وغیره است. فاطمه نیز محدثه است تا برای اهل آسمان وزمین برکت آورد تا بگوید پیرو حق باشید و از باطل دور شوید تا انحراف در جامعه بوجود نیاید.

حضرت رسول (ص) به هنگام فوت ، دست فاطمه (س) را در دست علی(ع)گذاشت و فرمود : علی جان فاطمه امانت الهی و امانت من در دست تو است از او محافظت فرما.

فاطمه (س) هرگز فراموش نمی کند آن صحنه های زشت بعد از فوت پدر عزیزش را ، براستی آن اشکها و آن نگرانیها و آن بیتابی های بعد از فوت پدر برای چه بود . اونقشهای متعددی را در زندگی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی و عبادی داشت پس بی دلیل گریه نمی کند.آن خلفا ، آن غاصبان در سقیفه به دنبال چه توطئه ای بودند که قلب دختر پیامبر(ص) را شکستند ومستبدانه خلافت را از آن خود ساختند وسیر ارتجاعی در امت اسلام بوجود آوردند و مردم را بوسیله دروغ و فریب و نیرنگ و دینار به حکومت خود علاقمند کردند پس سکوت و انزوا غالب گشت به گونه ا ی که در جریان احتجاج در مسجد پیامبر با ابوبکر درزمینه آزاد سازی فدک و رهایی آن از دست غاصبان ،فاطمه(س) دل شکسته به خانه برمی گردد وبه همسرش علی (ع)می گوید : چه نشسته ای که میراث پدرم را تصاحب کردند . علی (ع) در پاسخ همسر گرامی خود فرمودند : اگر 40 یار با وفا داشتم می توانستم سکوت را بشکنم و مبارزه کنم ولی مصلحت چنین است که باید سکوت کرد.فاطمه (س) نسبت به آینده انسانها هشدار می دهد و می فرماید: بجان خودم سوگند نطفه فساد بسته شد باید انتظار کشید ، تا کی مرض فساد پیکر جامعه اسلامی را از پای در آورد 3

فاطمه (س) محدثه است و در تمام مراحل زندگی خود ازخوشیها و ناخوشیها ونیز ازاحتجاجها واز تعلیم وتربیت خود وبرخورد ها با دشمنان فتنه انگیز و از زاویه دیگر در همسرداری ، تربیت فرزند و خانه داری احادیث فراوانی دارد.

20

----------------------------------------------------

1-معانی الاخبار و احتجاج ج1ص108- از فرهنگ سخنان فاطمه (س)- خطبه فدکیه حضرت

فاطمه (س)مورد خطاب فرشتگان واقع می شدند، پس درتمام مراحل زندگی حافظ حدود الهی بود.

روزی علی (ع) گرسنه به خانه آمدند و تقاضای غذایی کردند و حضرت زهراء (س) در برابر در خواست حضرت علی (ع) برای رفع گرسنگی فرمودند:

ای ابالحسن من از پروردگار خود حیا می کنم چیزی را از تو در خواست نمایم که تو به آن توان و قدرت نداری: "حالنا کما تری فی کساء نصفه تحتنا و نصفه فوقنا " حا ل وضع ما همین است که می نگرید با عبائی زندگی می کنیم که روی آن می نشینیم که نصف آن فرش زیر پاست و نصف دیگر را روی خود می کشیم .1

امام علی (ع) با عده ای از افراد در حضور رسول خدا(ص) بودند حضرت سؤال کردند چه کاری برای زنان بهتر خواهد بود. علی (ع) می گویند : هر یک از ما جدا شدیم واز آن مکان پراکنده شدیم و من به خانه رفتم و آن سؤال را از فاطمه پرسیدم: " خیر للنساء ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال، این روش برای زنان بهترین کار خواهد بود که طوری زندگی کنند تا مردها آنها را نبینند و آنها هم مردها را نبینند و با آنها سرو کار نداشته باشند. "

حضرت علی (ع) فرمودند: وقتی پاسخ را برای رسول خدا(ص) بردم آن حضرت فرمودند: راستی فاطمه(س) پاره تن و عضو جسم وجان من است.

فاطمه (س) در 20 جمادی الثانی سال 5 بعثت در مکه متولد شد و در سن 10 سالگی سال دوم هجرت با حضرت علی(ع) ازدواج کرد و در 13جمادی الاولی یا 3جمادی الثانی در مدینه بین نماز مغرب و عشاء شربت شهادت را نوشیدند.

والسلام علی من اتبع الهدی

21

1- فرهنگ سخنان فاطمه (س) حدیث 185

منابع:

1- درایت الحدیث نور

2- زنان دانشمند وراوی حدیث – احمد صادقی اردستانی

3- مناقب امیرالمؤمنین (ع) ج1 ص354

4- نقش همسران رسول (ص) در حکومت امیرالمؤمنین(ع) سید تقی واردی چاپ دوم 1389

5-رجال طوسی- شیخ الطائفه ابی جعفر محمدابن الحسن الطوسی- مؤسسة النشر الاسلامی

6- اعیان الشیعه –السید محسن الامین – انتشارات بیروت

7- دایرة المعارف جهان اسلام – جمعی از بزرگان

8- فرهنگ سخنان فاطمه(س)

9-معجم الرجال الشیعه – آیت الله خوئی

10- دایزة المعارف الشیعه حسن الامین

11- زندگینامه فاطمه بنت اسد "س "ص47

12- فاطمه (س) برترین بانوی اسلام – دکتر علی قائمی

رجوع به سه کتابخانه و دیدن مرجع های گوناگون از قبیل : اعلام النساء- الاصابة- تهذیب التهذیب

فتح الباری بشرح صحیح البخاری العسقلان- فرهنگ معارف اسلام دکتر سید جعفر سجادی- دایرة المعارف الاسلام کبری- صحیح بخاری بشرح کرمانی – رجال السید بحرالعلوم – صحیح الترمذی ابن عربی مالکی-

22